

## پیامدهای توسعه صلح جهانی از طریق ورزش

شهرام شفیعی<sup>۱</sup> | زهرا تسلیمی<sup>۲</sup> | محمد همتی نژاد<sup>۳</sup>

۲

سال دوم

بهار و تابستان ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۲/۰۵

صص: ۱۴۹-۱۲۹



### چکیده

هدف این پژوهش بررسی پیامدها جامع توسعه صلح جهانی از طریق ورزش بود. این مطالعه کیفی با بهره‌گیری از روش داده بنیاد انجام شد و داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با ۱۵ صاحب‌نظر و متخصص آشنا با حوزه‌های ورزش، دیپلماسی و صلح گردآوری شدند. نمونه‌گیری به صورت نظری انجام شد و تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی با استفاده از نرم‌افزار اطلس صورت گرفت. بر اساس یافته‌های کدگذاری، ۱۵ مقوله فرعی و دو مقوله اصلی (ساختاری و انسانی) یافت شد. نتایج حاکی از آن است که در بخش ساختاری شاهد توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خواهیم بود. صلح پایدار تر به کنترل استرس کشور کمک می‌نماید. بحث همگرایی سبب ایجاد اتحاد در مفاهیم مختلف چالش برانگیز مثل ادیان، مذاهب، نژادها و قومیت‌ها می‌گردد. این روند به پرورش مدیران سالم و افراد با انگیزه بیشتر و متعالی تر جهت پیشبرد اهداف پایدارتر صلح جهانی از طریق ورزش می‌انجامد و در بخش انسانی شاهد رشد اخلاق و خصوصیات انسانی خواهیم بود. دوستی جهانی باعث همگرایی ملت‌ها شده و تحمل پذیری مردم را بالا می‌برد که این امر منجر به کاهش خشونت‌ها در نهایت آرامش اجتماعی می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: ورزش، صلح جهانی، پیامد، داده بنیاد

۱. دانشیار مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

۲. گروه آموزش تربیت بدنی، دانشگاه فرهنگیان.

۳. نویسنده مسئول: استادیار گروه مدیریت ورزشی موسسه آموزش عالی راهبرد شمال، ایران.

## مقدمه و بیان مسئله

ورزش به عنوان یکی از فراگیرترین و تأثیرگذارترین پدیده‌های اجتماعی، از دیرباز نقشی محوری در زندگی بشر ایفا کرده است. فراتر از فعالیت بدنی و سرگرمی، ورزش به ابزاری قدرتمند برای تعاملات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در سطح جهانی تبدیل شده است و حتی به شکل دهی به چشم‌اندازهای اجتماعی و سیاسی می‌پردازد و شباهت‌هایی بین زمینه‌های باستانی و مدرن را ترسیم می‌کند (دومیراچه، ۲۰۲۴). در جهانی که تنش‌های سیاسی، درگیری‌های قومی، نابرابری‌های اقتصادی و بحران‌های زیست‌محیطی صلح جهانی را تهدید می‌کنند، ورزش به دلیل جذابیت جهانی، دسترسی گسترده و توانایی ایجاد هویت‌های مشترک، پتانسیل بی‌نظیری برای ترویج صلح و تفاهم بین‌المللی دارد (مورای<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰). نلسون ماندلا در سال ۱۹۹۶ در سخنرانی خود اظهار داشت: «ورزش قدرت تغییر جهان را دارد. این قدرت الهام‌بخش است و می‌تواند مردم را به شیوه‌ای که چیزهای دیگر نمی‌توانند، متحد کند» (لورمور<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). این دیدگاه، ورزش را نه تنها به عنوان یک فعالیت جسمانی، بلکه به عنوان یک کاتالیزور برای صلح‌سازی، دیپلماسی عمومی و تقویت همبستگی جهانی معرفی می‌کند.

ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی فراگیر، با قابلیت ایجاد تعاملات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در سطح جهان، می‌تواند نقش مهمی در ترویج صلح و تفاهم بین‌المللی ایفا کند (فراگییر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸). این نقش به ویژه در شرایطی که جهان با چالش‌هایی نظیر تنش‌های سیاسی، درگیری‌های قومی، نابرابری‌های اقتصادی و بحران‌های زیست‌محیطی روبرو است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (باستانی فر<sup>۴</sup>، ۲۰۲۴). ورزش به عنوان ابزاری برای صلح‌سازی، از طریق ایجاد فضایی برای تعاملات مثبت و سازنده بین افراد و گروه‌های مختلف، می‌تواند به کاهش تنش‌ها و تقویت روابط مسالمت‌آمیز کمک کند (عبیدالله<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸). ورزش می‌تواند به عنوان بستری برای تعاملات فرهنگی و اجتماعی عمل کند، به طوری که افراد از طریق شرکت در فعالیت‌های ورزشی، با

۱ Murray  
 ۲ Levermore  
 ۳ Fraguier  
 ۴ Bastanifar  
 ۵ Ubaidulloev

فرهنگ‌ها و ارزش‌های مختلف آشنا شده و درک بهتری از یکدیگر پیدا می‌کنند (آندرسکی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۳). این تعاملات می‌توانند به کاهش تعصبات و سوء تفاهم‌ها کمک کرده و زمینه ساز روابط دو ستانه‌تر و صمیمانه‌تر بین جوامع مختلف شوند (کائو و منگ<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰). ورزش می‌تواند به عنوان ابزاری برای دیپلماسی عمومی مورد استفاده قرار گیرد، به طوری که کشورها از طریق برگزاری مسابقات ورزشی و تبادل ورزشکاران، روابط خود را با سایر کشورها تقویت کرده و تصویر مثبتی از خود در سطح بین‌المللی ارائه دهند. این نوع دیپلماسی می‌تواند به کاهش تنش‌های سیاسی و افزایش اعتماد بین کشورها کمک کند (ریگر<sup>۳</sup>، ۲۰۲۴). سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل متحد و کمیته بین‌المللی المپیک نقش مهمی در ترویج ورزش به عنوان ابزاری برای صلح و توسعه دارند (فان و یی<sup>۴</sup>، ۲۰۲۴). این سازمان‌ها از طریق برنامه‌ها و ابتکارات مختلف، تلاش می‌کنند تا از ظرفیت ورزش برای حل منازعات، ترویج ارزش‌های انسانی و ایجاد جوامع فراگیر استفاده کنند (کالیسون<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۸).

با وجود پتانسیل بالای ورزش برای ترویج صلح و تفاهم بین‌المللی، چالش‌ها و محدودیت‌هایی نیز در این زمینه وجود دارد. مثلاً ورزش می‌تواند به ابزاری برای اهداف سیاسی تبدیل شود، به طوری که کشورها از آن برای تبلیغ ایدئولوژی‌های خود یا تحقیر رقبا استفاده کنند (هولیهان<sup>۶</sup>، ۲۰۲۲). همچنین مسابقات ورزشی گاهی اوقات با خشونت و تعصب همراه می‌شوند، به طوری که هواداران تیم‌های مختلف به درگیری فیزیکی و لفظی می‌پردازند (اوزسلیک<sup>۷</sup>، ۲۰۲۳). از دیگر چالش‌ها اینکه دسترسی به امکانات ورزشی و فرصت‌های شرکت در فعالیت‌های ورزشی برای همه افراد یکسان نیست، به طوری که گروه‌های خاصی از جامعه (مانند زنان، افراد کم‌درآمد و معلولان) با موانع بیشتری روبرو هستند (بلای-پالمر<sup>۸</sup>، ۲۰۱۶).

<sup>۱</sup> Anderski

<sup>۲</sup> Cao & Meng

<sup>۳</sup> Rieger

<sup>۴</sup> Fan & Yi

<sup>۵</sup> Collison

<sup>۶</sup> Houlihan

<sup>۷</sup> ÖZÇELİK

<sup>۸</sup> Blay-Palmer

در دنیای معاصر، ورزش از یک فعالیت محلی به پدیده‌ای جهانی تبدیل شده است که میلیون‌ها نفر را در سراسر جهان به خود جذب می‌کند. رویدادهای ورزشی بین‌المللی مانند بازی‌های المپیک، جام جهانی فوتبال و مسابقات جهانی دیگر، به‌عنوان بستری برای گردهم‌آیی ملت‌ها، فرصتی برای کاهش تنش‌های سیاسی، تقویت روابط بین‌المللی و ترویج ارزش‌های جهانی مانند احترام، انصاف و همکاری فراهم می‌کنند (هولیهان و گریکس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴). این رویدادها نه تنها به نمایش رقابت‌های ورزشی می‌پردازند، بلکه به‌عنوان صحنه‌ای برای دیپلماسی ورزشی عمل می‌کنند، جایی که کشورها می‌توانند از طریق تعاملات فرهنگی و ورزشی، روابط نزدیک‌تری با یکدیگر برقرار کنند (جکسون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). برای مثال، دیپلماسی پینگ‌پنگ در دهه ۱۹۷۰ بین چین و ایالات متحده نشان داد که ورزش می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای کاهش تنش‌های سیاسی در دوران جنگ سرد عمل کند.

با این حال، رابطه ورزش و صلح جهانی پیچیده و چندوجهی است. اگرچه نهادهایی مانند کمیته بین‌المللی المپیک (IOC)<sup>۳</sup> و فدراسیون‌های بین‌المللی ورزشی بر جدایی ورزش از سیاست تأکید دارند، در عمل، ورزش و سیاست به‌طور عمیقی با یکدیگر در هم تنیده‌اند (زرگر، ۱۳۹۴). دولت‌ها از ورزش برای پیشبرد اهداف سیاسی، تقویت هویت ملی و کسب اعتبار بین‌المللی استفاده می‌کنند. موفقیت‌های ورزشی می‌توانند غرور ملی را تقویت کرده و حس وحدت را در جوامع ایجاد کنند (فاضلی، ۱۳۹۱). با این حال، سیاسی‌سازی بیش‌ازحد ورزش، مانند تحریم‌های ورزشی، اوباش‌گری در رویدادهای ورزشی یا استفاده از ورزش برای تبلیغات سیاسی، می‌تواند به جای صلح، تنش‌های جدیدی ایجاد کند (گیولیانوتی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹). برای مثال، تحریم المپیک ۱۹۸۰ مسکو توسط بلوک غرب و پاسخ متقابل بلوک شرق در المپیک ۱۹۸۴ لس‌آنجلس، نشان‌دهنده تأثیر منفی سیاسی‌سازی بر پتانسیل صلح‌سازی ورزش بود (کی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۹).

علاوه بر این، نابرابری‌های اقتصادی و فساد در نهادهای ورزشی چالش‌های دیگری هستند که مانع از تحقق کامل پتانسیل ورزش در صلح جهانی می‌شوند. تحریم‌های اقتصادی می‌توانند

<sup>۱</sup> Houlihan & Grix

<sup>۲</sup> Jackson

<sup>۳</sup> International Olympic Committee

<sup>۴</sup> Giulianotti

<sup>۵</sup> Keys

دسترسی کشورهای در حال توسعه به منابع ورزشی، مانند تجهیزات مدرن یا برنامه‌های آموزشی، را محدود کنند، که به نوبه خود شکاف توسعه‌یافتگی را افزایش می‌دهد (ملک حسینی، ۱۳۹۶). همچنین، فساد در نهادهای ورزشی، مانند شرط‌بندی غیرقانونی یا سوءاستفاده‌های مالی، اعتبار ورزش را به‌عنوان ابزاری برای صلح تضعیف می‌کند (گیولیانوتی، ۲۰۲۹). این چالش‌ها نشان‌دهنده نیاز به رویکردهای استراتژیک و همکاری‌های بین‌المللی برای استفاده مؤثر از ورزش در صلح‌سازی هستند.

این پژوهش با هدف کشف پیامدهای توسعه صلح جهانی از طریق ورزش انجام شد. سؤال اصلی پژوهش این است: «خروجی توسعه صلح جهانی از طریق ورزش چگونه است؟» و سؤال فرعی شامل شناسایی پیامدهای توسعه صلح جهانی از طریق ورزش هستند. این مطالعه با بهره‌گیری از رویکرد کیفی داده‌بنیاد، به دنبال ارائه چارچوبی جامع برای درک این رابطه و ارائه راهکارهای عملی برای سیاست‌گذاران، مدیران ورزشی و پژوهشگران است. اهمیت این پژوهش در چند جنبه نهفته است: نخست، گسترش مطالعات بین‌رشته‌ای در حوزه روابط بین‌الملل و ورزش، که به درک عمیق‌تری از نقش ورزش در صلح جهانی منجر می‌شود؛ دوم، توجه به چالش‌های موجود و پیامدهای حاصل از آن. این پژوهش همچنین به دنبال پر کردن خلأهای پژوهشی در زمینه مبانی نظری جامع برای تبیین جایگاه ورزش در صلح جهانی است.

## مرور ادبیات

### ورزش و دیپلماسی عمومی

دیپلماسی ورزشی به‌عنوان شاخه‌ای از دیپلماسی عمومی، از ورزش برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی، تقویت روابط بین‌المللی و نزدیک کردن جوامع استفاده می‌کند (مورای، ۲۰۲۰). این مفهوم در دهه‌های اخیر به دلیل افزایش جهانی‌شدن ورزش و تأثیر رویدادهای ورزشی بین‌المللی بر روابط بین‌الملل، توجه زیادی را به خود جلب کرده است. دیپلماسی ورزشی می‌تواند از طریق ایجاد فضایی برای تعاملات مثبت بین ملت‌ها، کاهش پیش‌داوری‌های فرهنگی و ترویج ارزش‌های مشترک به صلح‌سازی کمک کند (جکسون، ۲۰۱۳). نمونه‌های تاریخی مانند «دیپلماسی پینگ‌پنگ» بین چین و ایالات متحده در دهه ۱۹۷۰، که به بهبود روابط دو کشور در

دوران جنگ سرد منجر شد، نشان‌دهنده پتانسیل ورزش در کاهش تنش‌های سیاسی است (جکسون، ۲۰۲۳). همچنین، دیپلماسی کریکت بین هند و پاکستان و دیپلماسی کشتی بین ایران و ایالات متحده نمونه‌های دیگری از استفاده از ورزش برای تقویت روابط دیپلماتیک هستند (شریعتی، ۱۳۹۴).

رویدادهای ورزشی بزرگ، مانند بازی‌های المپیک و جام جهانی فوتبال، به‌عنوان بستری برای دیپلماسی ورزشی عمل می‌کنند. این رویدادها با گردهم آوردن ورزشکاران و تماشاگران از سراسر جهان، فرصتی برای تعاملات فرهنگی و کاهش موانع سیاسی فراهم می‌کنند (هولیهان و گریکس، ۲۰۱۴). برای مثال، المپیک ۲۰۱۸ پیونگ‌چانگ با حضور مشترک تیم‌های کره شمالی و جنوبی، نمونه‌ای از استفاده از ورزش برای کاهش تنش‌ها در شبه‌جزیره کره بود (کی، ۲۰۱۹). با این حال، دخالت‌های سیاسی می‌توانند این پتانسیل را تضعیف کنند. تحریم المپیک ۱۹۸۰ مسکو توسط بلوک غرب و پاسخ متقابل بلوک شرق در المپیک ۱۹۸۴ لس‌آنجلس نشان‌دهنده تأثیر منفی سیاسی‌سازی بر صلح‌سازی ورزشی بود (ریدر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). به گفته شریعتی (۱۳۹۴)، فقدان استراتژی واحد در دیپلماسی ورزشی در برخی کشورها، مانند ایران، فرصت‌های بسیاری برای توسعه روابط بین‌المللی از طریق ورزش را از بین برده است. این موضوع نیاز به تدوین سیاست‌های منسجم و همکاری‌های بین‌المللی را برجسته می‌کند.

نقش دیپلماسی ورزشی در روابط بین‌الملل دیپلماسی ورزشی به‌عنوان یک ابزار مهم در روابط بین‌الملل معاصر ظاهر شده است و از قدرت رویدادهای ورزشی مانند بازی‌های المپیک برای تقویت گفت‌وگو، همکاری و درک متقابل بین ملت‌ها استفاده می‌کند (میرزایوا<sup>۲</sup>، ۲۰۲۴). جام جهانی فوتبال و دیپلماسی ورزشی جام جهانی فوتبال نیز به‌عنوان یک رویداد مهم در دیپلماسی ورزشی شناخته می‌شود. میزبانی جام جهانی می‌تواند به کشورهای در حال توسعه کمک کند تا تصویر بین‌المللی خود را بهبود بخشند و توسعه اقتصادی و اجتماعی را تسریع کنند (نات و

<sup>۱</sup> Rider

<sup>۲</sup> Mirzayeva

تیناز<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲). با این حال، این رویدادها همچنان می‌توانند با مشکلاتی مانند فساد و سوء استفاده از منابع عمومی همراه باشند (روستال و کاردوسو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵).

## ورزش و صلح‌سازی

مفهوم «ورزش برای توسعه و صلح» توسط سازمان ملل متحد به‌عنوان استفاده از ورزش برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار، از جمله صلح، تعریف شده است (یوان<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹). ورزش می‌تواند از طریق ایجاد هویت‌های مشترک، کاهش موانع فرهنگی و ترویج ارزش‌های جهانی مانند احترام، انصاف و همکاری به صلح‌سازی کمک کند (هولیهان<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰). گالتونگ (۱۹۹۸) صلح مثبت را به‌عنوان ایجاد روابط عادلانه و همکاری بین جوامع تعریف می‌کند و ورزش می‌تواند با فراهم کردن فضایی برای تعاملات مثبت، به تحقق این هدف کمک کند. برای مثال، برنامه‌های ورزشی در آفریقای جنوبی پس از آپارتاید به کاهش تنش‌های نژادی و تقویت همبستگی اجتماعی کمک کردند. این برنامه‌ها با استفاده از ورزش به‌عنوان ابزاری برای ایجاد گفت‌وگو و همکاری بین گروه‌های متخاصم، به بازسازی اجتماعی کمک کردند.

ورزش می‌تواند به‌عنوان یک کاتالیزور برای ایجاد انسجام اجتماعی در جوامع چند فرهنگی و مناطق جنگ‌زده عمل کند (شرلوک<sup>۵</sup>، ۲۰۲۴). برنامه‌های ورزشی اغلب فرصت‌هایی را برای افراد فراهم می‌کنند تا با یکدیگر تعامل داشته باشند، موانع فرهنگی را از بین ببرند و ارزش‌های مشترک را ترویج دهند (رودریگز<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۲۴). ورزش می‌تواند به تغییر نگرش‌ها و کاهش تعصبات در جوامع کمک کند (گس<sup>۷</sup>، ۲۰۱۸). از طریق فعالیت‌های ورزشی مشترک، افراد می‌توانند تجربیات مثبتی را با گروه‌های مختلف داشته باشند، که می‌تواند منجر به همدلی و درک بیشتر شود (میچل<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). در کلمبیا، ورزش به‌عنوان ابزاری برای بهبود حکمرانی و بازسازی اجتماعی در جوامع آسیب‌دیده از جنگ مورد استفاده قرار گرفته است (گادایس<sup>۹</sup> و

<sup>۱</sup> Knott & Tinaz

<sup>۲</sup> Rosenthal & Cardoso

<sup>۳</sup> UN

<sup>۴</sup> Houlihan

<sup>۵</sup> Sherlock

<sup>۶</sup> Rodríguez

<sup>۷</sup> Guest

<sup>۸</sup> Mitchell

<sup>۹</sup> Gadais

همکاران، ۲۰۲۳؛ رستریو و نونز<sup>۱</sup>، ۲۰۲۴). برنامه‌های ورزشی برای صلح‌سازی باید با توجه به شرایط و نیازهای خاص هر منطقه طراحی و اجرا شوند (خوما<sup>۲</sup>، ۲۰۲۴).

ابتکارات مشابه در مناطق دیگر نیز موفقیت‌هایی داشته‌اند. برای مثال، برنامه «ورزش برای فردا» در ژاپن، که با هدف ترویج ارزش‌های صلح‌طلبانه در میان کودکان در ۱۰۰ کشور تا سال ۲۰۲۰ طراحی شد، نشان‌دهنده پتانسیل ورزش در آموزش نسل‌های آینده برای صلح است (اوکادا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸). همچنین، برنامه‌های ورزشی در کلمبیا پس از درگیری‌های داخلی نشان داده‌اند که ورزش می‌تواند به کاهش خشونت و تقویت همبستگی اجتماعی کمک کند (پارنل<sup>۴</sup>، ۲۰۱۸). این برنامه‌ها با استفاده از ورزش به‌عنوان ابزاری برای توانمندسازی جوانان و ایجاد فضایی برای همکاری بین گروه‌های متخاصم، به صلح‌سازی کمک کرده‌اند. با این حال، موفقیت این برنامه‌ها به عواملی مانند مدیریت مناسب، منابع مالی کافی و اجتناب از سیاسی‌سازی بستگی دارد (اسکالنکور<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵).

### نقش ورزش در هویت‌سازی و همبستگی ملی

ورزش به‌عنوان ابزاری برای هویت‌سازی ملی و تقویت غرور ملی شناخته شده است. موفقیت‌های ورزشی می‌توانند حس وحدت و همبستگی را در جوامع تقویت کنند، به‌ویژه در کشورهایی که با چالش‌های قومی یا سیاسی مواجه هستند (زرگر، ۱۳۹۴). برای مثال، فوتبال به دلیل جذابیت جهانی و توانایی جلب مخاطبان گسترده، در بسیاری از کشورها به ابزاری برای تقویت روحیه ملی و وفاداری به ارزش‌های ملی تبدیل شده است (فاضلی، ۱۳۹۱). پیروزی‌های تیم‌های ملی در رویدادهای بین‌المللی، مانند جام جهانی، می‌توانند حس غرور ملی را تقویت کرده و به کاهش تنش‌های داخلی کمک کنند. برای مثال، موفقیت تیم ملی فوتبال آفریقای جنوبی در جام جهانی ۲۰۱۰ به تقویت وحدت ملی در این کشور کمک کرد (هامت<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱).

<sup>۱</sup> Restrepo & Núñez

<sup>۲</sup> Khoma

<sup>۳</sup> Okada

<sup>۴</sup> Parnell

<sup>۵</sup> Schulenkorf

<sup>۶</sup> Hammet

با این حال، هویت سازی از طریق ورزش می تواند جنبه های منفی نیز داشته باشد. اوباش گری، رفتارهای تبعیض آمیز و ترویج ناسیونالیسم افراطی در برخی رویدادهای ورزشی می تواند به جای صلح، تنش ایجاد کنند (میچل<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰). برای مثال، درگیری های هواداران در مسابقات فوتبال در برخی کشورها نشان دهنده پتانسیل ورزش برای دامن زدن به تعارضات است. این موضوع نیاز به مدیریت مناسب و ترویج ارزش های صلح طلبانه در رویدادهای ورزشی را برجسته می کند.

علی رغم پتانسیل ورزش در صلح سازی، چالش های متعددی مانع از تحقق کامل این ظرفیت هستند. نابرابری های اقتصادی بین کشورها یکی از مهم ترین موانع است. کشورهای در حال توسعه اغلب به منابع مالی و زیرساخت های لازم برای توسعه ورزش دسترسی ندارند، که به نوبه خود شکاف توسعه یافتگی را افزایش می دهد (ملک حسینی، ۱۳۹۶). برای مثال، تحریم های اقتصادی علیه برخی کشورها، مانند ایران، دسترسی آن ها به درآمدهای ورزشی یا تجهیزات مدرن را محدود کرده است، که تأثیر منفی بر توانایی آن ها برای مشارکت در دیپلماسی ورزشی دارد.

فساد در نهادهای ورزشی، مانند شرط بندی غیرقانونی، سوءاستفاده های مالی و لابی گری سیاسی، نیز اعتبار ورزش را به عنوان ابزاری برای صلح تضعیف می کند (گیولیانوتی، ۲۰۱۹). برای مثال، رسوایی های مالی در فدراسیون بین المللی فوتبال (FIFA) نشان دهنده تأثیر منفی فساد بر اعتماد عمومی به نهادهای ورزشی است. همچنین، سیاسی سازی ورزش، مانند استفاده از ورزش برای تبلیغات سیاسی یا تحریم تیم های خاص، می تواند به جای صلح، تنش های جدیدی ایجاد کند. به گفته میچل (۲۰۲۰)، اوباش گری و رفتارهای تبعیض آمیز در رویدادهای ورزشی می توانند به تشدید تعارضات اجتماعی منجر شوند.

نقش ستارگان ورزشی به عنوان سفیران صلح نیز، اگرچه پتانسیل بالایی دارد، نیازمند مدیریت مناسب است. به گفته باردوز-بنسیک<sup>۲</sup> (۲۰۱۹)، ستارگان ورزشی به دلیل شهرت و محبوبیت می توانند ارزش های صلح طلبانه را ترویج دهند، اما موفقیت آن ها به حمایت سازمانی و برنامه ریزی استراتژیک بستگی دارد. برای مثال، ورزشکارانی مانند محمد علی و کریستیانو رونالدو از طریق فعالیت های بشردوستانه خود تأثیر مثبتی بر ترویج صلح داشته اند، اما این تلاش ها نیاز به هماهنگی با نهادهای بین المللی دارند.

<sup>۱</sup> Mitchell

<sup>۲</sup> Bardocz-Bencsik

با وجود مطالعات گسترده در زمینه ورزش و صلح، کمبود چارچوب‌های نظری جامع برای تبیین جایگاه ورزش در صلح جهانی احساس می‌شود. بیشتر مطالعات موجود بر جنبه‌های خاص، مانند دیپلماسی ورزشی، برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح یا تأثیر ورزش بر هویت‌سازی، متمرکز بوده‌اند و کمتر به کشف پیامدهای توسعه صلح جهانی پرداخته‌اند (گادایس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹). همچنین، تعداد کمی از مطالعات به بررسی چالش‌های ساختاری، مانند نابرابری‌های اقتصادی یا فساد در نهادهای ورزشی، در رابطه با صلح‌سازی پرداخته‌اند. این پژوهش با مطالعه عمیق از طریق روش نظریه داده بنیاد به دنبال کشف پیامدهای توسعه صلح جهانی از طریق ورزش و پر کردن این خلأ می‌باشد. این پژوهش نه تنها به درک عمیق‌تری از رابطه ورزش و صلح کمک می‌کند، بلکه چارچوبی برای سیاست‌گذاری و پژوهش‌های آینده ارائه می‌دهد.

## روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی است که با استفاده از روش داده‌بنیاد<sup>۲</sup> انجام شد تا خروجی و پیامدهای توسعه صلح جهانی از طریق ورزش را طراحی نماید. جامعه آماری شامل صاحب‌نظران و متخصصان حوزه‌های ورزش، دیپلماسی، صلح و جامعه‌شناسی بود که از میان اعضای هیئت علمی، نخبگان ورزشی و مدیران ارشد ورزشی انتخاب شدند. نمونه‌گیری به صورت نظری انجام شد و تا رسیدن به اشباع نظری (۱۵ مصاحبه) ادامه یافت.

داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای شامل مراجعه به اسناد و مدارک و جستجو در شبکه اینترنت برای شناخت ادبیات و پیشینه موضوع و شناخت نقش ورزش در صلح جهانی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند گردآوری شدند. سؤالات مصاحبه شامل وضعیت موجود توسعه صلح جهانی از طریق ورزش، اثرات توسعه صلح جهانی و پیامدهای نهایی آن بود. برای اطمینان از روایی، در این پژوهش، با ارائه بازخورد به مصاحبه‌شوندگان و قراردادن آن‌ها در مسیر پژوهش به طوری که بر نحوه پاسخگویی آن‌ها تأثیر نگذارد، به منظور افزایش روایی درونی اقدام شد. ضمناً، پس از انجام هر مصاحبه، الگوی بدست آمده تا آن مرحله ارائه می‌شد و در صورتی که مصاحبه‌شونده نکاتی را نسبت به الگو داشت، مورد بحث قرار می‌داد. این کار پس از انجام

<sup>۱</sup> Gadais

<sup>۲</sup> Grounded Theory

مصاحبه انجام می‌شد تا مصاحبه خالی از هر گونه پیش‌فرض و جهت‌گیری انجام شود. علاوه بر این، چهار فعالیت دیگر نیز به منظور افزایش روایی درونی یافته‌ها انجام شد که عبارتند از: (۱) استفاده از منابع مختلف برای جمع‌آوری داده‌ها؛ (۲) بررسی داده‌ها توسط یک دستیار؛ (۳) مشارکت یک متخصص آشنا به روش پژوهش داده‌بنیاد و موضوع صلح و ورزش؛ (۴) شناسایی جهت‌گیری‌ها از طریق پرسش سؤال‌های مکرر در حین تحلیل داده‌ها (پیر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). پایایی پژوهش از طریق محاسبه ضریب کاپا (۰,۷۸) و توافق بین کدگذاران تأیید شد جدول (۱). در صورتی که ضریب کاپا در شرایط معناداری بیش از ۰/۶ باشد، بیانگر توافق میان کدگذاران خواهد بود (کیرک<sup>۲</sup>، ۱۹۸۶).

جدول ۱- میزان توافقات و عدم توافقات میان پژوهشگر و کدگذار دوم در کدگذاری باز اولیه (ضریب کاپا)

	کدگذار دوم		
	۰	۱	
کدگذار اول	۶۸	۶۲	۱
	۳۲	۱۰	۰
مجموع	۱۰۰	۷۲	

تعداد توافقات مشاهده شده: ۸۴ عدد (۸۴٪ از مشاهدات)  
 تعداد توافقات تصادفی: ۵۸ عدد (۵۸٪ از مشاهدات)  
 ضریب کاپا ( $\kappa$ ): ۰/۶۱۹

نتایج جدول (۱) حاکی از رد فرض استقلال کدهای استخراج شده و تأیید وابستگی آنها به یکدیگر است. از این‌رو، می‌توان ادعا کرد که کدگذاری باز در مرحله اولیه از پایایی کافی برخوردار بوده است.

۱. Pare

۲. Kirk

تحلیل داده‌ها در سه مرحله (کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی) با استفاده از نرم‌افزار اطلس نسخه ۷ انجام شد، که امکان سازمان‌دهی دقیق داده‌ها و استخراج خروجی نهایی را فراهم کرد. این روش‌شناسی به دلیل انعطاف‌پذیری و توانایی تولید نظریه‌های مبتنی بر داده، برای این پژوهش مناسب بود (گودینگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲).

## یافته‌های پژوهش

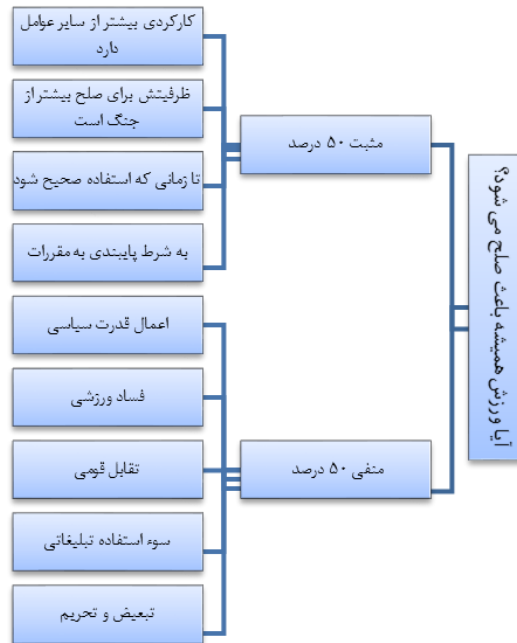
همانطور که عنوان شد، در این پژوهش ۱۴ نفر از افراد صاحب‌نظر در حوزه ورزش و صلح مشارکت داشتند که از میان مدیران اجرایی و اعضای هیئت علمی بخش ورزش انتخاب شده بودند.

جدول ۲. توزیع گروه‌های مشارکت‌کننده در پژوهش و کدهای مورد استفاده

کد مورد استفاده	فراوانی درصدی	فراوانی	تخصص
P6-P8-P9-P11-P12-P13	۴۳	۶	مدیران ورزشی
P1-P2-P3-P4-P5-P7-P10-P14	۵۷	۸	هیئت علمی
-	٪۱۰۰	۱۴	مجموع

\*یک نفر از مشارکت‌کنندگان زن (P۴) و بقیه مرد بودند.

نظر مشارکت‌کنندگان در مورد این مساله که آیا ورزش همیشه می‌تواند باعث صلح شود، با توجه به دلایل عنوان شده از سوی مشارکت‌کنندگان به دو بخش مثبت و منفی تقسیم گردید. با توجه به نتایج به دست آمده، مشخص شد که ۵۰ درصد مشارکت‌کنندگان اعتقاد داشتند که ورزش همیشه می‌تواند باعث ایجاد صلح جهانی گردد. اما ۵۰ درصد دیگر معتقد بودند که ورزش همیشه باعث تداوم این روند نمی‌گردد. شکل (۱) تقسیم‌بندی دلایل مطرح شده را نشان می‌دهد.



شکل ۱- نظر مشارکت کنندگان در مورد نوع تاثیر ورزش بر صلح

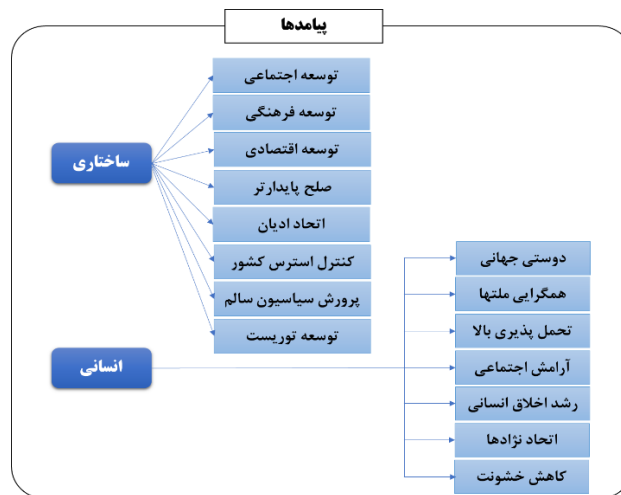
کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها در این مطالعه، با سه رویکرد انجام یافته است: ۱. کدگذاری باز؛ ۲. کدگذاری محوری؛ و ۳. کدگذاری انتخابی. در کدگذاری باز، تلاش بر این بوده است که نکات کلیدی و مورد تأکید مشارکت کنندگان از مصاحبه‌ها استخراج گردد. بررسی دقیق‌تر این کدهای شناسایی شده مشخص نمود که بسیاری از کدها اگرچه با اصطلاحات و تعابیر متفاوت گفته شده‌اند، بر اساس سؤالات پژوهشی مطرح شده در این مطالعه، دارای مفهوم یکسانی هستند. از این‌رو، این کدها جمع شده و با ۱۲۶ کد ارائه شد. در مرحله کدگذاری محوری، سعی شد با کشف مفاهیم، درکی از پدیده نقش ورزش در صلح جهانی حاصل گردد و سؤالات پژوهش در ارتباط با پیامدها و خروجی‌ها آن پاسخ داده شود؛ که ۱۵ مقوله فرعی در این مرحله جمع شد. در مرحله کدگذاری انتخابی، از ۱۵ مقوله فرعی مرحله قبل، دو مقوله اصلی استخراج شد.

در پایان، نتایج و پیامدهای مورد انتظار از نقش ورزش در صلح جهانی در دو مقوله استخراج شد؛ پیامدهایی که می‌تواند در اثر اجرای فرایندها، اقدامات و راهبردهای لازم در راستای توسعه صلح جهانی از طریق ورزش اتفاق بیفتد. تمام این پیامدها مثبت هستند که بیانگر مطلوبیت نقش ورزش در صلح جهانی است و شامل (ساختاری: تقویت رژیم‌های بین‌المللی ورزشی، مانند IOC، و ایجاد نهادهای صلح‌محور و انسانی: افزایش همبستگی اجتماعی، کاهش تعارضات قومی و تقویت هویت‌های مشترک) بود. خروجی‌های کدگذاری‌ها نشان داد که تعامل پویا بین این مقوله‌ها می‌تواند به توسعه صلح جهانی از طریق ورزش منجر شود.

جدول ۳- کدگذاری باز، محوری و انتخابی

مقوله فرعی	مقوله اصلی	پدیده محوری
توسعه اجتماعی	ساختاری	۱
توسعه فرهنگی		۲
توسعه اقتصادی		۳
صلح پایدارتر		۴
اتحاد ادیان		۵
کنترل استرس کشور		۶
پرورش سیاسیون سالم		۷
توسعه توریست	انسانی	پیامدها ۸
دوستی جهانی		۹
همگرایی ملتها		۱۰
تحمل پذیری بالا		۱۱
آرامش اجتماعی		۱۲
رشد اخلاق انسانی		۱۳
اتحاد نژادها		۱۴
کاهش خشونت		۱۵

در شکل ۲، مدل نهایی و تفصیلی پیامدهای توسعه صلح جهانی از طریق ورزش آمده است.



شکل ۲. مدل نهایی پیامدهای توسعه صلح جهانی از طریق ورزش

## بحث و نتیجه گیری

نتایج این پژوهش با مطالعات پیشین همخوانی دارد و در عین حال، دیدگاه‌های جدیدی را به حوزه نقش ورزش در صلح‌سازی جهانی ارائه می‌دهد. از منظر ساختاری، یافته‌ها نشان می‌دهند که ورزش می‌تواند به تقویت رژیم‌های بین‌المللی کمک کند، ایده‌ای که با دیدگاه زرگر (۱۳۹۴) مبنی بر نقش ورزش در ایجاد رژیم‌های بین‌المللی برای ترویج ارزش‌های انسانی هم‌راست است. این همخوانی را می‌توان در ابتکاراتی مانند برنامه‌های کمیته بین‌المللی المپیک برای ترویج صلح از طریق ورزش، مانند "المپیک صلح"، مشاهده کرد (کویرکی، ۲۰۲۳). علاوه بر این، ورزش به‌عنوان ابزاری برای همگرایی، اتحاد مفاهیم چالش‌برانگیز مانند ادیان، مذاهب، نژادها و قومیت‌ها را تسهیل می‌کند، که این امر به پرورش مدیران سالم‌تر و افراد با‌انگیزه‌تر برای پیشبرد اهداف صلح پایدار جهانی منجر می‌شود. این یافته با مطالعات وانوینسبرگه و همکاران (۲۰۲۰) همخوانی دارد که بر نقش ورزش در ایجاد پل‌های فرهنگی و کاهش تنش‌های بین‌گروهی تأکید دارند.

از منظر انسانی، نتایج پژوهش نشان‌دهنده پتانسیل ورزش در تقویت همبستگی اجتماعی، کاهش تعارضات قومی و افزایش تحمل‌پذیری بین ملت‌هاست. این نتایج با مطالعات هولیهان (۲۰۰۰) و هاگلوند و ساندربرگ (۲۰۰۸) هم‌راستا هستند که بر نقش ورزش در هویت‌سازی مشترک و صلح‌سازی در جوامع پس از درگیری تأکید دارند. برای مثال، برنامه‌های ورزشی در آفریقای جنوبی پس از آپارتاید و در کلمبیا پس از توافق صلح ۲۰۱۶، به عنوان ابزارهایی برای کاهش تنش‌های اجتماعی و تقویت انسجام اجتماعی موفق بوده‌اند (پارنل و همکاران، ۲۰۱۸). با این حال، چالش‌هایی مانند سیاسی‌سازی ورزش و نابرابری‌های اقتصادی، که در مصاحبه‌های این پژوهش برجسته شدند، مانع از تحقق کامل این پتانسیل می‌شوند. این چالش‌ها با یافته‌های ملکه حسینی (۱۳۹۶) و میچل (۲۰۲۰) همخوانی دارند. نمونه بارز این موضوع، تحریم‌های ورزشی مانند خودداری شرکت نایک از تأمین تجهیزات برای تیم ملی ایران در جام جهانی ۲۰۱۸ است که نشان‌دهنده تأثیر منفی سیاسی‌سازی بر پتانسیل صلح‌سازی ورزش است (میچل، ۲۰۲۰). علاوه بر این، فساد در نهاد‌های ورزشی، همان‌طور که در رسوایی‌های فیفا گزارش شده است (سادن و تاملینسون، ۲۰۱۷)، می‌تواند اعتماد عمومی به ورزش به عنوان ابزاری برای صلح را تضعیف کند. این پژوهش تأکید می‌کند که ورزش به تنهایی نمی‌تواند صلح جهانی را تضمین کند، بلکه باید به عنوان بخشی از یک مجموعه ابزارهای توسعه، همراه با سیاست‌گذاری‌های کلان و حمایت‌های مالی، مورد استفاده قرار گیرد (یونان، ۲۰۱۹). برنامه‌های ورزشی موفق در مناطق پس از درگیری، مانند پروژه‌های "فوتبال برای صلح" در کلمبیا یا برنامه‌های ورزشی سازمان ملل در آفریقا، نشان‌دهنده اهمیت مدیریت مناسب، منابع مالی کافی و اجتناب از سیاسی‌سازی هستند که با یافته‌های پژوهش همخوانی دارد (پارنل، ۲۰۱۸). علاوه بر این، نقش ستارگان ورزشی به عنوان سفیران صلح، همان‌طور که باردوز (۲۰۱۹) اشاره کرده، می‌تواند در ترویج ارزش‌های صلح‌طلبانه مؤثر باشد. برای مثال، فعالیت‌های کریستیانو رونالدو و لیونل مسی به عنوان سفیران حسن نیت سازمان ملل، نمونه‌های موفق از این نقش هستند. با این حال، موفقیت این ابتکارات نیازمند حمایت سازمانی، برنامه‌ریزی استراتژیک و اجتناب از بهره‌برداری سیاسی است.

یافته‌های این پژوهش همچنین بر ضرورت مدیریت چالش‌های ساختاری مانند نابرابری‌های اقتصادی و فساد در نهادهای ورزشی تأکید دارند (وی و همکاران، ۲۰۲۳؛ مارکوسن و همکاران، ۲۰۲۱). یافته‌های وی و همکاران (۲۰۲۳) نیز به نابرابری اقتصادی بالاتر با افزایش رفتارهای فاسد در میان افراد اشاره داشت و این موضوع را نشان‌دهنده یک چرخه معیوب بین نابرابری و فساد دانست که با یافته‌های این پژوهش همخوانی دارد. کدگذاری داده‌های مصاحبه‌ها نشان داد که پیامدهای مثبت ورزش، مانند تقویت همبستگی اجتماعی و صلح‌سازی (شرلوک، ۲۰۲۴؛ هاگلوند، ۲۰۰۸)، تنها در صورتی محقق می‌شوند که این چالش‌ها به‌طور مؤثر مدیریت شوند. در این راستا، پیشنهاد می‌شود که نهادهای بین‌المللی مانند IOC و سازمان ملل با تدوین منشورهای صلح‌محور، تقویت همکاری‌های بین‌المللی و ایجاد سازوکارهای نظارتی برای کاهش فساد و سیاسی‌سازی، نقش ورزش را در صلح‌سازی ارتقا دهند. علاوه بر این، استفاده از فناوری‌های نوین، مانند پلتفرم‌های دیجیتال برای دیپلماسی ورزشی یا برنامه‌های واقعیت مجازی برای آموزش صلح، می‌تواند پتانسیل ورزش را در این حوزه تقویت کند (نینگولان و همکاران، ۲۰۲۴؛ چی و ایدریس، ۲۰۲۱؛ تانگاریف و همکاران، ۲۰۲۱). توسعه برنامه‌های ورزشی صلح‌محور در سطح بین‌المللی، آموزش و پرورش مدیران ورزشی با تمرکز بر صلح‌سازی، کاهش سیاسی‌سازی ورزش از طریق سازوکارهای نظارتی، توسعه زیرساخت‌های ورزشی در مناطق محروم، ارزیابی مستمر اثربخشی برنامه‌های ورزشی صلح‌محور به عنوان پیشنهادات کاربردی ارائه می‌گردد.

## فهرست منابع

- Anderski, M., Griebel, L., Stegmann, P., & Ströbel, T. (2023). Empowerment of human brands: Brand meaning co-creation on digital engagement platforms. *Journal of Business Research*, 166, 113905. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2023.113905>
- Bardocz-Bencsik, M., (2019). Mapping Sport for Development and Peace as Bourdieu's Field, ۸۱(۱):۱-۱۲. DOI:۱۰,۲۴۷۸/pcssr-۲۰۱۹-۰۰۰۱.
- Bastanifar, I. (2024). A monetary model of global peace and health. *Globalization and Health*, 20(1). <https://doi.org/10.1186/s12992-024-01029-9>
- Blay-Palmer, A. (2016). Power Imbalances, Food Insecurity, and Children's Rights in Canada. *Frontiers in Public Health*, 4. <https://doi.org/10.3389/fpubh.2016.00117>
- Cao, C., & Meng, Q. (2020). Effects of online and direct contact on Chinese international students' social capital in intercultural networks: testing moderation of direct contact and mediation of global competence. *Higher Education*, 80(4), 625-643. <https://doi.org/10.1007/s10734-020-00501-w>
- Chi, P. G., & Idris, M. Z. (2021). Employing virtual reality (vr) technology with experiential learning perspective to enhance students' learning experience. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 11(4), 650-655.
- Collison, H., Darnell, S. C., Giulianotti, R., & Howe, P. D. (2018). *Routledge Handbook of Sport for Development and Peace* (H. Collison, S. C. Darnell, R. Giulianotti, & P. D. Howe, Eds.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315455174>
- Dumitrache, A. T. (2024). From Colosseum to Wembley: echoes of ancient thoughts on the importance of sports in modern football. 7(4)
- Fan, Z., & Yi, J. (2024). Measuring the Success of Global Sports Governance: A Deep Trust Network Model Approach. *Journal of Psycholinguistic Research*, 53(2). <https://doi.org/10.1007/s10936-024-10048-x>
- Fazeli, Nematollah; (2012). Sports and Identity Politics, *Journal of Political Science*, 7 (2). (in persian)
- Fraguier, N. (2018). The Key Role of Sport for Development and Peace in the World. *Studia Sportiva*, 12(1), 108-115. <https://doi.org/10.5817/sts2018-1-12>
- Gadais, T., Varela Pulido, N., Soto, V., Vinazco, S., & Garzon, M. (2023). How sport changed my life? Description of the perceived effects of the experiences of young Colombians throughout a sport for development and peace program. *Frontiers in Sports and Active Living*, ۵. <https://doi.org/10.3389/fspor.2023.1046937>
- Gadais, T. (2019). *Sport for Development and Peace: Current Perspectives of Research*. IntechOpen. DOI: ۱۰,۰۷۷۲/intechopen.۸۹۱۹۲.
- Galtung, J., (1998). *Peace by peaceful means: peace and conflict, development and Civilization*. New York: Sage. [http://dx.doi.org/10.1207/s15327964pac0401\\_1](http://dx.doi.org/10.1207/s15327964pac0401_1).
- Giulianotti, R. (2019). Rethinking Sportland: A New Research Agenda for the Sport for Development and Peace Sector. *Journal of Sport and Social Issues*. ۸, ۱-۲۷.
- Goulding, C. (2002). *Grounded theory: A practical guide for management, business and market researchers*: London: Sage.

- Guest, A. M. (2018). SDP and sport psychology. In *Routledge Handbook of Sport for Development and Peace* (pp. 230–240). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315455174-21>
- Hammet, D., (2011). British media representations of South Africa and the 2010 FIFA World Cup. *The South African geographical journal, being a record of the proceedings of the South African Geographical Society* 93(1): 63-74 DOI: 10.1080/03736245.2011.566310.
- Hoglund, K., Sundberg, R., (2008). Rec-onciliation through sports? The case of South Africa. *Third World Quarterly*. Vol. 29, iss. 4, pp. 805-818. <https://doi.org/10.1080/01436590802052920>.
- Houlihan, B. (2022). Challenges to globalisation and the impact on the values underpinning international sport agreements. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 14(4), 607–620. <https://doi.org/10.1080/19406940.2022.2100807>
- Houlihan, B., (۲۰۰۰). “Politics and Sport”, *Handbook of Sport Studies*, ۲۱۶.
- Jackson, S. J. (2013). The contested terrain of sport diplomacy in a globalizing world. *International Area Studies Review*, ۱۶ (۳).
- Kanbay, Y., & Okanlı, A. (2017). The effect of critical thinking education on nursing students’ problem-solving skills. *Contemporary nurse*, 53(3), 313-321.
- Keys, B., (2019). *The Ideals of Global Sport: From Peace to Human Rights*, ISBN 9780812251500.
- Khoma, N. (2024). Assessment of the Institutional Capacity of Sport Regarding the Implementation of the Peacebuilding Function under Conditions of Armed Conflicts. *Історико-Політичні Проблеми Сучасного Світу*, 49, 165–173. <https://doi.org/10.31861/mhpi2024.49.165-173>
- Knott, B., & Tinaz, C. (2022). The Legacy of Sport Events for Emerging Nations. *Frontiers in Sports and Active Living*, 4. <https://doi.org/10.3389/fspor.2022.926334>
- Kobierecki, M. M. (2023). Olympic truce during the Nagano Olympics: between diplomacy and public diplomacy of the international Olympic Committee. *The International Journal of the History of Sport*, 40(1), 85-103.
- Levermore R., (2012). Reassessing sport-for-development: moving beyond ‘mapping the territory’, *International Journal of Sport Policy and Politics*, 4 (1), 120-127.
- Malek Hosseini, Niloufar; (2017). The Position of Sports Sanctions in the International Human Rights System, *Allameh Tabatabaei University, Faculty of Law*, 7. (in Persian)
- Markussen, T., Sharma, S., Singhal, S., & Tarp, F. (2021). Inequality, institutions and cooperation. *European Economic Review*, 138, 103842.
- Mitchell, D., Somerville, I., Hargie, O., & Simms, V. (2020). Can Sport Build Peace After Conflict? Public Attitudes in Transitional Northern Ireland. *Journal of Sport and Social Issues*, 45(5), 464-483. <https://doi.org/10.1177/0193723520958346>
- Mitchell, D. (2020). Can sport build peace after conflict? Public attitudes in transitional Northern Ireland. *Journal of Sport and Social Issues*. DOI: 10.1177/0193723520958346.
- Mirzayeva, N.G. (2024). THE ROLE OF SPORTS DIPLOMACY IN CONTEMPORARY INTERNATIONAL RELATIONS: A CASE STUDY OF THE OLYMPIC GAMES. *Scientific News of Academy of Physical Education and Sport*, 6(3), 116–121. <https://doi.org/10.28942/ssj.v6i3.801>

Murray, S., (2012). "Sports-Diplomacy: a Hybrid of Two Halves", *Diplomacy & statecraft* ۲۳ (۳), ۵۷۶-۵۹۲ .

Nainggolan, R. O. K., Siboro, S. A., & Ginting, L. N. B. (2024). Application of Digital Technology to Improve the Quality of Learning in the Era of Revolution 4.0. *Edumaniora: Jurnal Pendidikan dan Humaniora*, 3(01), 25-32.

Okada, Chiaki., (2018). Sport for development' in Japan, 6 (11).

ÖZÇELİK, S. (2023). INTERNATIONAL AND INTRA-STATE CONFLICTS, PEACE AND SPORT TRIANGLE: CONFLICT ANALYSIS, PEACE STUDIES AND SPORT MANAGEMENT APPROACHES. *Conflict Studies Quarterly*, 43, 18-35. <https://doi.org/10.24193/csqa.43.2>

Parnell, D., (2018). Sport for Development and Peace in Latin America and the Caribbean (Editorial), 6 (10).

Restrepo, B. E., & Núñez, P. D. P. (2024). Sport and governance: peacebuilding in communities affected by the armed conflict in Colombia. *Sport in Society*, 28(1), 123-141. <https://doi.org/10.1080/17430437.2024.2344776>

Rider, Toby C., "The Olympic Games and the Secret Cold War: The U.S. Government and the Propaganda Campaign Against Communist Sport, 1950-1960" (2011). Electronic Thesis and Dissertation Repository. ۲۱۰ .

Rieger, E. (2024). A Manchurian Candidate? The GOP's Discourse on the Russian War in Ukraine. *Politische Vierteljahresschrift*, 66(1), 77-99. <https://doi.org/10.1007/s11615-024-00558-7>

Rodríguez, S., León-Prieto, C., Rodríguez-Jaime, M. F., & Lugo, L. S. (2024). Playing for peace: scoping review of sports programs as agents of peace. *German Journal of Exercise and Sport Research*, 55(1), 60-76. <https://doi.org/10.1007/s12662-024-00967-1>

Rosenthal, B., & Cardoso, F. (2015). "There will not be a World Cup": The Kratophanous Power of the FIFA 2014 World Cup in Brazil. In *Research in Consumer Behavior* (pp. 367-۳۹۹). <https://doi.org/10.1108/0885-211120150000017018>

Sherlock, T. (2024). The Role of Community Sports Programs in Promoting Social Cohesion. *International Journal of Arts, Recreation and Sports*, 3(5), 15-27. <https://doi.org/10.47941/ijars.2073>

Schulenkorf, N., (2015). Sport-for-Development: An Integrated Literature Review. *Journal of Sport Management* ۳۰(۱). DOI: ۱۰.۱۱۲۳/jsm.۲۰۱۴-۰۲۶۳.

Shariati, Mehdi; (2015). The Place of Sports Diplomacy in the International Relations of the Islamic Republic of Iran, A Qualitative Approach Based on Content Analysis, *Political Science*, 11 (2): 95-127. (in Persian)

Sherlock, T. (2024). The Role of Community Sports Programs in Promoting Social Cohesion. *International Journal of Arts, Recreation and Sports*, 3(5), 15-27. <https://doi.org/10.47941/ijars.2073>

Sugden, J. Tomlinson, A. (2018). *Sport and peace-building in divided societies: playing with enemies*. New York:Routledge, 101.

Tangarife, D., Blanco, M., Torres-Madroño, E. M., & Torres-Madronero, M. C. (2021). Plataforma interactiva para la educación y el fortalecimiento de la paz: PazRed. *Información tecnológica*, 32(3), 101-112.

Toh, W., & Kirschner, D. (2023). Developing social-emotional concepts for learning with video games. *Computers & Education*, 194, 104708.

Ubaidulloev, Z. (2018). Sport for Peace: A New Era of International Cooperation and Peace through Sport. *Asia-Pacific Review*, 25(2), 104–126. <https://doi.org/10.1080/13439006.2018.1548818>

UN General Assembly., (2003). Sport and Peace. *Social Inclusion, Conflict Prevention and Peac-Building*. Chapter ٦.

VanWynsberghe, R., Derom, I., & Pentifallo Gadd, C. (2021). Legacy and sustainability in the Olympic Movement's new norm era: when reforms are not enough. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 13(3), 443-460.

Wei, C., Dang, J., Liu, L., Li, C., Tan, X., & Gu, Z. (2023). Economic inequality breeds corrupt behaviour. *British Journal of Social Psychology*, 62(2), 949-971.

Zargar, Afshin; (2015). Sports and International Relations: Conceptual and Theoretical Aspects, *Quarterly Journal of Political Science*, 11 (31). (in persian)